

توسعه جامعه حسابداران رسمی ایران

ابهامها، واقعیتها، امیدواریها

محمد شلیله

این مقاله در چارچوب بررسیهای انجام شده این است که «جامعه» با وضعیت کنونی آن در بیشتر موارد با تجربه عام تاریخی حرفه ای گری در جهان در چارچوب انجمنی حرفه ای انطباق نسبی دارد و از ظرفیت توسعه برخوردار است. بحث مقاله با شرح ابهامهایی که از اختلاف نظرها و انتظارات متفاوت اعضا سرچشمه می گیرد و به وسیله شماری از اعضا، برخی از کارگزاران «جامعه» و یاسایر کارشناسان، پیرامون وضعیت کنونی و توسعه جامعه مطرح شده است، ادامه می یابد. در ادامه تفسیری تجربی در مورد زمینه بروز ابهامهای یادشده عرضه می شود. بررسی مقاله به ارائه چند پیشنهاد انجامیده است، اما پیش از آن، فرضهای مبنای این پیشنهادات ارائه خواهد شد.

چون بحثها و بررسیهای این مقاله از جهاتی بااهمیت، با قوانین و مقررات مربوط به تشکیل «جامعه» ارتباط دارد، در بررسیها، اظهارنظرها و پیشنهادات عرضه شده کوشش بسیار به کار بسته شده است که این موارد با قوانین و مقررات مربوط به تشکیل «جامعه» و اصلاحیه ها و اساسنامه آن ناسازگار نباشد، با این حال چون نگارنده اهلیت تفسیر و تشخیص و استنباط از قوانین و مقررات مربوط را ندارد، احتمال دارد در مواردی در این کار به خطا رفته باشد. آگاه ساختن نگارنده از خطاهای احتمالی از این دست، امکان تصحیح و تدقیق پیشنهادات یادشده را فراهم

این مقاله ساختار و ویژگیهای «جامعه حسابداران رسمی ایران» (که از این به بعد در این مقاله «جامعه» نامیده می شود) را در راستای توسعه ساخت و مناسبات اجتماعی آن بررسی می کند؛ با این فرض که «جامعه» فعالیتهايش را با همین اساسنامه موجود ادامه می دهد. این موضوع از دو جهت مورد بررسی قرار می گیرد، یکی در مقایسه با تجربه عام تاریخی حرفه ای گری در جهان در قالب انجمنهای حرفه ای که پژوهشگران ذیربط آن را باز شناخته اند، در ادبیات مربوط به این حوزه پژوهش مستند شده است و مورد قبول شماری از پژوهشگران این رشته قرار دارد، و دیگر عواملی که از درون و بیرون «جامعه» با توسعه آن پیوند دارد، مانند بافت و ترکیب تجربی، سنی، جنسیتی، تحصیلی اعضا، برداشتها و انتظارات آنها و یا مانند قوانین و مقررات حاکم بر «جامعه» یا خط مشیهای دولت در این باره، همچنین شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور. در این راستا نخست «ساختار و ویژگیهای حرفه ای گری در قالب انجمنهای حرفه ای» توضیح داده می شود. مروری مختصر خواهیم داشت بر «پیشینه انجمنهای حرفه ای حسابداری در ایران» تا قبل از تشکیل «جامعه». در ادامه به بررسی تشکیل «جامعه» و ساختار و ویژگیهای آن پرداخته ایم، ظرفیتهای کارکردی آن را از نظر گذرانده ایم و با تجربه عام تاریخی حرفه ای گری در جهان مقایسه کرده ایم. نظریه کانونی

جامعه ایران جامعه‌ای با ترکیب جمعیتی جوان است و این امر ناگزیر باید در هر تصمیمگیری کلان مورد توجه قرار گیرد

تاثیر متفاوتی بر سرنوشت حرفه‌ها دارند. برخی پژوهشها در این باره نشان داده است که دولتهای لیبرال، در مقایسه با دولتهای محافظه کار یا دولتهای خودکامه و مستبد سیاستهای متفاوتی نسبت به حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری پیش می‌گیرند. افزون بر این، نوع رابطه دولتها و حرفه‌ها به سازمان اداری دولتها و برنامه‌ها و مقاصد سیاسی آنها نیز بستگی دارد و بر حسب زمان و مکان تغییر می‌کند. برای مثال آشکار شده است که اتکای دولتها به حرفه‌ها و در نتیجه حمایت آنها از حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری در اجرای سیاستهای خصوصی سازی بمنظور نظارت بر اجرای این سیاستها افزایش می‌یابد. همزمانی وضع «قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی»^۴ در مورد تاسیس و تشکیل «جامعه» با گسترش اجرای سیاستهای خصوصی سازی در ایران احتمالاً با یافته پیشگفته سازگاری دارد. البته مشروعیت حرفه‌ها به عملکرد آنها و همراه آن به پذیرفته شدن از سوی مشتریان بزرگ و ثروتمند و دارای سرمایه‌های کلان و مشتریانی که از اقتدار سیاسی و اقتصادی قابل توجهی برخوردارند نیز وابسته است؛ حتی به نوع و رشته فعالیت آنها. بررسیها نشان داده است در اغلب موارد و در کل (نه به صورت موردی)، مشتریان عمده خدمات حرفه‌ای، خودشان انتظارشان را از خدمات حرفه‌ای بر اساس نیازشان تعریف می‌کنند و نه ضرورتاً بر اساس الزامات کار و شغل حرفه‌ای. این گروه از مشتریان اعم از دولتی یا خصوصی، مشخص می‌کنند حرفه‌ها چه نوع خدماتی با چه کیفیتی باید برای آنها انجام دهند. به بیان دیگر مشتریان بزرگ، حرفه‌ایها را وادار می‌کنند که آنچه را که آنان می‌خواهند انجام دهند. بر این قرار بر حسب اینکه مشتریان خدمات حرفه‌ای از چه اندازه اختیار و اقتدار قانونی برخوردار باشند، یا اینکه تا چه اندازه قادر باشند حق الزحمه‌های کلان بپردازند، می‌توانند در افزایش یا کاهش اقتدار حرفه‌ها مؤثر واقع شوند. مشتریان بزرگ نیز همسان دولتها تأثیری دو جانبه

خواهد ساخت. در تألیف این مقاله همچنین کوشش جدی به کار رفته است که ضمن ابراز نظر صریح درباره مسائل مورد بحث، از جانبداری از یک نظر و گرایش خاص در میان گروههای ذینفع در سرنوشت جامعه خودداری شود. در خور ذکر است که نگارنده نه عضو «جامعه حسابداران رسمی ایران» است و نه از هیچ جهت ذینفع هرگونه سمتگیری «جامعه» در مورد مسائل حرفه حسابداری است.

با توجه به اینکه هدف و موضوع این مقاله ارزیابی عملکرد «جامعه» و قضاوت در این باره نیست، از این رو هرگونه مطابقت اظهارنظرها و قضاوتهای یادشده با هر یک از عملکردهای «جامعه» کاملاً تصادفی است. با اینکه در این مقاله از نظرات مندرج در مقاله‌ها یا مطرح شده در مصاحبه‌ها و میزگردهایی که موضوع آنها بررسی مسائل «جامعه» بوده، در زمینه بررسی ابهامهای پیرامون وضعیت کنونی «جامعه» و توسعه آن استفاده شده است، اما از عطف این اظهارنظرها به گوینده آن خودداری کرده‌ایم؛ اگر چه منابعی که این نظرات را از آن منابع برگرفته ایم در بخش منابع مقاله معرفی شده است.

ساختار و ویژگیهای حرفه‌ای‌گری در قالب انجمنهای حرفه‌ای^۲

شغلی حرفه‌ای شناخته می‌شود که در قالب انجمنی حرفه‌ای، قدرت تعیین صلاحیت کسانی را که در آن شغل کار می‌کنند داشته باشد، از اقتدار جلوگیری از کار کسانی که صلاحیت انجام شغل مربوط را ندارند برخوردار باشد، و قادر باشد بر ملاکهای ارزیابی عملکرد شغل مربوط کنترل اعمال نماید. به بیان دیگر از قدرت کنترل کار حرفه‌ای، کنترل محیط کار و کنترل بازار کار شغل حرفه‌ای برخوردار باشد. به حکم تجربه عام تاریخی حرفه‌ای‌گری در قالب انجمنهای حرفه‌ای، برخورداری از چنین قدرتی در همه جامعه‌ها نیازمند شناسایی قانونی و مستلزم حمایت دولت است. فریدسن (Freidson, 2001) در بررسیهای خویش دریافته است که هیچ حرفه‌ای بدون حمایت «دولت» (حکومت)^۳ نمی‌تواند وجود داشته باشد. حمایت دولتها از حرفه‌ها موجب اعتبار و یکی از مهمترین منابع مشروعیت آنهاست، حق قضاوت حرفه‌ای را تثبیت می‌کند و از حقوق کار حرفه‌ای در برابر کارفرمایان حمایت می‌کند. البته در همان حال دولتها می‌توانند قدرت حرفه‌ها را محدود سازند. از همین روست که رژیمهای حکومتی مختلف

بر وضعیت حرفه‌ها دارند. از یکطرف می‌توانند انتظارات خودشان را بر حرفه‌ها تحمیل کنند و از این جهت از اقتدار آنها بکاهند و هم از طرف دیگر بر مشروعیت و اقتدار اجتماعی آنان بیفزایند. از همین روست که گفته می‌شود در دوران اخیر اغلب حرفه‌ها بیشتر قادرند قدرت قابل ملاحظه‌ای را بر مشتریان سازمان نیافته، کوچک

و متوسط و بر مشتریان فردی اعمال نمایند. این موضوع از قاعده عام دیگری نیز پیروی می‌کند و آن اینکه در نظام بازار، این مصرف‌کنندگان اند که کیفیت محصولات تولیدکنندگان کالا و خدمات را کنترل می‌کنند. از نظر برینت (Brint, 1994) یکی از ویژگی‌های بارز قرن اخیر گسترش نامحدود قدرت بازارهای مصرف و قدرت شرکتهاست. بر این اساس چشم انداز موفقیت حرفه‌ها به نحوه برآوردن انتظارات این گروه از مشتریان بستگی پیدا کرده است. به بیان دیگر در شرایط کنونی بقای حرفه‌ها به شدت وابسته

به این است که تا چه اندازه بتوانند خدمات و راه‌حلهایی به مشتریان نشان عرضه نمایند که آنها را قادر سازد در بازارهای پررقابت کنونی به فعالیتشان ادامه دهند. از این جهت موضوع «استقلال حرفه‌ها» (که در بخشهای بعدی این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت) نیز به صورت مسئله‌ای غامض و پیچیده و چندوجهی درآمده است. عامل دیگر تکوین قدرت و مشروعیت حرفه‌ها با شیوه‌ای که این گونه مشاغل با عموم ارتباط برقرار می‌کنند و رویکرد سازمان یافته‌شان در راستای آگاه کردن عموم مردم و دولت‌ها از اصولی که برانجام وظایف شغلیشان حاکم است، ارتباط دارد؛ همچنین به توانایشان در به خدمت درآوردن رسانه‌ها، در راستای معرفی شغل مربوط و کارکردهای آن به جامعه و کسب مقبولیت سیاسی. از این طریق می‌توان نظر یا انتظارات مردم اغلب جامعه‌ها را که باور دارند حرفه‌ای‌ها کسانی هستند که کارشان را بدرستی، مسئولانه و همراه با دقت و ابتکار و با کیفیتی اطمینان بخش انجام می‌دهند، تقویت کرد. در همین زمینه است که رعایت ضوابط اخلاق حرفه‌ای موضوعیت می‌یابد. بررسیها نشان داده است، تنها مشاغل حرفه‌ای نیستند که در چارچوب «ضوابط اخلاقی»

فعالیت می‌کنند، بلکه اغلب مشاغل غیر حرفه‌ای نیز ضوابط اخلاقی مربوط به فعالیت شغلی خود را دارند، منتها آنچه که مشاغل حرفه‌ای را از این نظر از مشاغل غیر حرفه‌ای متمایز می‌سازد این است که حرفه‌ها به نحو موفقیت آمیزی مردم و مراجع قانونگذاری را نسبت به پایبند بودنشان به ضوابط اخلاقی مربوط به شغلشان متقاعد می‌سازند. **اباب**

(Abbott, 1988) در مورد عوامل

به هم پیوسته تشکیل قدرت حرفه‌ای معتقد است قدرت حرفه‌ها در زمینه کنترل محتوای کار حرفه‌ای، در موسساتی که شاغلان مشاغل حرفه‌ای در آنها آموزش می‌بینند نطفه می‌بندد، با اخذ پروانه کار حرفه‌ای در صورت گذراندن امتحانات مربوط رسمیت می‌یابد، در صورت رعایت ضوابط اخلاقی کار حرفه‌ای، مورد پذیرش عموم قرار می‌گیرد و در صورت عملکرد اثربخش، همراه با قبول مسئولیت در مورد خدمات حرفه‌ای عرضه شده، تداوم می‌یابد.

پژوهشگرانی که عامل اصلی تکوین قدرت حرفه‌ای را به «دانش مجردی» که محتوای شغل حرفه‌ای را تشکیل می‌دهد نسبت می‌دهند نیز معتقدند شغلی که عملکرد آن به دانش مجرد متکی است، چنانچه اهمیت آن به وسیله عموم، رسانه‌ها و سیاستگذاران پذیرفته شود، به قدرت دست می‌یابد. ارتباط مؤثر و اطمینان بخش با مردم جامعه و عرضه خدمات اثربخش به آنان، به تکوین عامل مؤثر دیگری در کار توسعه حرفه مینجامد که همان قبول حقوق شهروندی در چارچوب مناسبات شغلی است و در حرفه‌ای‌گری از اهمیت بسیار برخوردار است. از جمله عوامل دیگری که در شکل‌گیری هر حرفه‌ای تأثیر عمده دارد، یکی مسئله آموزش است. اما موضوع آموزش در حرفه‌ها به نوع و نحوه اجرای این آموزشها ختم نمی‌شود، بلکه آنچه در این مورد اهمیت جدی دارد این است که این آموزشها را چه افراد و گروههایی کنترل می‌کنند. عامل دیگر کاربرد تکنولوژی در مشاغل حرفه‌ای است. دشواری کاربرد تکنولوژیهای نو در حرفه‌ها این است که از یک طرف حرفه‌ها و اعضای آن را به ماشینهای گران و پیچیده وابسته می‌سازد و از طرف دیگر نیازمند اعمال مدیریت متمرکز بر این

توازن و تعادل

در ساخت اجتماعی جامعه‌ایجاب می‌کند

ترکیب کسانی که مسئولیت مدیریت

و راهبری «جامعه» را برعهده می‌گیرند

به نحو متوازی گروههای سنی

تحصیلی

جنسیتی

تخصصی

منطقه‌ای و مانند آن را نمایندگی کنند

در غیر این صورت هسته‌های تعارض پنهان

در «جامعه» شکل می‌گیرد

ابزارهاست، و هم محتاج منابع سازمانی معمولاً فراتر از ظرفیت افراد و گروههایی که به طور معمول موسسات حرفه‌ای را تشکیل می‌دهند. استفاده از تکنولوژی در امور موسسات حرفه‌ای دربرگیرنده تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، تا حد قابل ملاحظه‌ای نیز به وجود زیرساختهای کارای تکنولوژی در هر کشور وابسته است و در عین حال مستلزم آموزش کافی است. موضوع جهانی شدن و مقررات زدایی از گردش سرمایه، کالا و خدمات نیز می‌تواند سرنوشت هر حرفه‌ای را که آمادگی و قابلیت رقابت و همراه با آن امکان پیوستن به مناسبات قدرت مرتبط در پیوندهای جهانی را نداشته باشد، با احتمال بالا به نحو قابل ملاحظه‌ای تغییر دهد.

یکی از ویژگیهای برخوردار از اهمیت بسیار در حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری در قالب انجمنهای حرفه‌ای، برخورداری آنها از «استقلال» است. فریدسن (Freidson, 2001) معتقد است فرایند کسب آزادی و استقلال عمل در مشاغل حرفه‌ای به این ترتیب شکل می‌گیرد که اعضای این گونه مشاغل قانونگذاران را متقاعد می‌سازند که از قابلیت‌های مورد نیاز برای وضع مقررات مربوط به فعالیت در شغل مربوط، کنترل و نظارت همه جانبه بر آن، همچنین صدور پروانه کار، یا تعیین حق عضویت برخوردارند. به نظری همین اختیارات است که به انحصار بازار عرضه خدمات مشاغل حرفه‌ای منتهی می‌شود و بر اقتدار آنان می‌افزاید. این تفسیر از مفهوم استقلال به استقلال کل یک حرفه و حرفه‌ای‌گری از دولت مربوط می‌شود. در حالی که منظور از استقلال در چارچوب فعالیت شغلی حسابداران حرفه‌ای الزام آنان به رعایت اصول بنیادی اخلاق و رفتار حرفه‌ای است که «ایجاب می‌کند که حسابدار حرفه‌ای هنگامی که کاری را عهده‌دار می‌شود که به ارائه گزارش حسابرسی یا سایر گزارشهای اطمینان بخش میانجامد که مورد استفاده اشخاص ثالث است، به صاحب کار وابسته نباشد» (علی مدد، مصطفی، ۱۳۸۳: ۳۲).

نگارنده در بررسی دیگری به این نتیجه رسیده است: «حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری به عنوان مجموعه‌ای از تشکلهای دانش - بنیاد و در کلیت آن به عنوان نهادی اجتماعی با سایر نهادهای اجتماعی پیوندی بنیادین دارد. پیشینه این نهاد با شرایط تاریخی و در عین حال به زمان و مکان بستگی دارد. نظریه‌های مبنای آن از دیدگاههای رایج فلسفی و نظریه‌های اجتماعی غالب تأثیر می‌پذیرد. از آنکه همکار دولتهاست و طرف قرارداد با بخش

خصوصی است و به طور کلی از طریق چاره جوییها یا مشارکت در برنامه‌ریزیهای دولت یا بخش خصوصی در تنظیم مناسبات قدرت اقتصادی سهمیم است و دخالت دارد، و جهی سیاسی دارد، و از طریق تأثیری که بدین ترتیب بر سیاست‌گذاریهای کلان می‌نهد، عملکردهایش با حقوق شهروندان پیوند دارد؛ تحت تأثیر الگوهای فرهنگی و رفتار اجتماعی غالب قرار دارد؛ عمیقاً به شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی وابسته است؛ درگیر مناسبات و تغییرات و تحولات اوضاع تجارت و بازار است؛ با نهاد آموزش و تحولات تکنولوژی پیوندی حیاتی دارد؛ به عرصه مناسبات بین‌المللی راه دارد و در عرصه رقابتهای بین حرفه‌های همسان و سایر حرفه‌ها حضور دارد و سرانجام اغلب این وابستگیها و پیوندها از زمانی به زمان دیگر در سطح و عمق در کار تغییر و دگرگونی اند؛ مثل هر نهاد دیگر (شلیله، ۱۳۸۳، حسابرس شماره ۲۵: ۵۹).

نظریه‌های متعدد در مورد حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری نشان داده است که چالش حرفه‌ای‌گری در جامعه‌های متفاوت، با پیشینه تاریخی متفاوت، و ساختار سیاسی متفاوت و در پیوند با ارزشهای اجتماعی متفاوت، گوناگونیهای چشمگیری را در سازوکار حرفه‌ها و در قدرت کنترل آنها در کشورهای مختلف پدید می‌آورد. مورفی (Murphy, 1990) توضیح می‌دهد که به سختی ممکن است حرفه‌های دو کشور کاملاً شبیه هم باشند. افزون بر این حرفه‌ها در قالب انجمنهای حرفه‌ای در همه جا در کار تغییرند. فریدسن در مورد ارزیابی تفاوت در کارکردهای داخلی انجمنهای حرفه‌ای مدلی (۱۹۸۶) را پدید آورده است که به وسیله آن اهمیت هر یک از شش کارکرد رایج اینگونه انجمنها را اندازه‌گیری می‌کند. این کارکردها از نظر وی عبارتند از «استاندارد کردن فعالیتهای شغل»، «آموزش اعضا»، «نمایندگی اعضا در مذاکرات و در برابر دولتها و مراجع دیگر»، «صدور پروانه کار، به ثبت رساندن افراد و موسسات حرفه‌ای»، «تنظیم و اجرای ضوابط اخلاقی» و «ارائه خدمات به اعضا». بررسیها در این زمینه آشکار ساخته است که انجمنهای حرفه‌ای مختلف معمولاً اولویتهای متفاوتی را برای هر یک از این کارکردها قائلند. نگارنده مدل پیشگفته را در مورد ۱۱۴۳ انجمن حرفه‌ای کانادایی آزموده و دریافته است موافق سیاستهای کلی هر انجمن، اولویت اصلی آنها به شرح جدول صفحه بعد با یکدیگر متفاوت است:

سال ۲۰۰۱

کارکردها	تعداد	درصد
استانداردسازی فعالیتهای	۴۰	۲۸
آموزش اعضا	۳۰	۲۱
نمایندگی در برابر دولت و ...	۲۷	۱۹
صدور جواز کار، به ثبت رساندن افراد و موسسات	۱۰	۷
تنظیم و اجرای ضوابط اخلاقی	۶	۴
ارائه خدمت به اعضا	صفر	صفر
نامشخص	۳۰	۲۱
جمع	۱۴۳	۱۰۰

منبع: (Shalileh, M. 2001 : PP14)

پیشینه انجمنهای حرفه‌ای حسابداری در ایران (قبل از تشکیل «جامعه»)

تشکل حرفه حسابداری در ایران در قالب انجمنی حرفه‌ای قبل از تشکیل «جامعه» با ناکامیهای پیاپی روبه‌رو بوده است. تشکیل «انجمن محاسبین قسم خورده» مورد اشاره قانون مالیات بردرآمد سال ۱۳۲۸ از همان آغاز بی نتیجه می ماند. تشکیل مجدد آن نیز که در قانون مالیات بردرآمد سال ۱۳۳۵ پیش بینی شده بود، به رغم تصویب آیین نامه اجرایی (۱۳۴۰) و اساسنامه آن (۱۳۴۲) که شماری از کارکردهای انجمنی حرفه‌ای از جمله پیش بینی مقرراتی راجع به تدوین اصول حسابداری و حسابرسی و موازین حرفه‌ای و اخلاقی حسابداران عضو انجمن در آن در نظر گرفته شده بود به نتیجه نمی رسد^۵. با تصویب قانون مالیاتهای مستقیم ۱۳۴۵، عملاً این انجمن منحل می گردد (علی مدد، ۱۳۷۸: ۱۹). آذر سال ۱۳۴۲ شماری از حسابداران حرفه‌ای به استناد آیین نامه مصوب وزیر دارایی وقت (۱۳۴۰) انجمنی را با همان هدفهای انجمن نامبرده بالا اما این بار با نام «انجمن حسابداران قسم خورده» تشکیل می دهند. این انجمن به نظر سجادی نژاد، حسن... به دلیل اینکه یکی از سازمانهای تابعه وزارت دارایی بوده است، مورد استقبال قرار نمی گیرد و در همان اوان تاسیس به حالت رکود در می آید و پیش از آنکه رسماً شروع به کار کند به دست فراموشی سپرده می شود^۶. «انجمن حسابداران ایران» نیز که در اساسنامه آن برخی کارکردهای انجمنی حرفه‌ای از جمله «تربیت حسابداران و بالا بردن سطح معلومات و مهارت آنان و ترویج و مراعات دقیق

موازین حرفه‌ای و اخلاقی و تدوین اصول حسابداری»^۷ پیش بینی شده بود در بهمن ۱۳۴۲ به ثبت می رسد و فعالیت رسمی خود را آغاز می نماید. منتها از تاریخ تاسیس تا سال ۱۳۴۵، تنها ۱۵ نفر به عضویت این انجمن در می آیند و جمع اعضای آن با هیئت موسس به ۲۶ می رسد و فعالیت آن ادامه پیدانمی کند (شلیله، ۱۳۷۵-۱۳۷۶: ۳۶ و علی مدد، ۱۳۷۸: ۲۰-۱۹).

در قانون مالیاتهای مستقیم سال ۱۳۴۵ مقرر می شود «کانون حسابداران رسمی» با هدف «تعیین و معرفی حسابداران رسمی و فراهم آوردن وسایل لازم برای بالا بردن سطح آگاهیهای حسابداری در کشور، تهیه زمینه مساعد برای تدوین موازین فنی و اخلاقی حرفه حسابداری و نظارت بر اجرای موازین مزبور» (همان، پیشین) تشکیل شود. در نظر گرفتن «تعیین و معرفی حسابداران رسمی» و پیش بینی «نظارت بر اجرای موازین تعیین شده» به عنوان برخی از هدفهای این کانون، این انجمن را به کارکردهای انجمنی حرفه‌ای در مقایسه با تجربه عام تاریخی حرفه‌ای گری در قالب انجمنی حرفه‌ای و هم در مقایسه با انجمنهای نامبرده پیشین نزدیکتر می ساخت. حمایت دولت نیز از این انجمن از طریق پیش بینی تکالیفی در مورد مودیان مالیاتی در قانون سال ۱۳۴۵ و تکالیفی برای شرکتهای سهامی عام در مورد استفاده از خدمات حسابداران رسمی در اصلاحیه قانون تجارت (راجع به شرکتهای سهامی) مصوب سال ۱۳۴۷ که به موجب آن، شرکتهای سهامی عام مکلف شده بودند که به حسابهای سود و زیان و ترازنامه خود گزارش حسابدار رسمی را ضمیمه کنند (علی مدد، ۱۳۷۸: ۲۰)، در مقایسه با انجمنهای پیشین بیشتر و قاطع تر و تعیین کننده تر بوده است. اساسنامه این کانون سال ۱۳۵۱ تصویب می شود (همان، پیشین). بدین ترتیب نخستین انجمن حرفه‌ای حسابداری در ایران تشکیل می شود. علی مدد تجربه کانون حسابداران رسمی را از لحاظ ایجاد موسسات حسابرسی مدرن و به کارگیری روشها و تکنیکهای جدید حسابرسی و تربیت نسل تازه‌ای از حسابداران حرفه‌ای موفق ارزیابی کرده است، اما معتقد است «پیش از آنکه کانون حسابداران رسمی بتواند به عنوان نهادی حرفه‌ای در قالب شرایط اقتصادی اجتماعی کشور سازوکار مناسبی بیابد در مدار اقتصاد وابسته قرار گرفت و بسیاری از موسسات حسابرسی داخل کشور به صورت اقمار موسسات بین المللی در آمدند» (همان پیشین). وی این چگونگی را در لغو مواد قانونی راجع به حسابداران رسمی پس از انقلاب اسلامی در



بهمن ۱۳۵۷ موثر دانسته است. نظر دیگری بر آن است که این انجمن نیز مانند انجمن حسابداران قسم خورده جمعیتی تابع وزارت دارایی تلقی می شده است. به هر حال این انجمن در سال ۱۳۵۹ در «لایحه قانونی مربوط به اصلاح پاره ای از مواد قانون مالیاتهای مستقیم» که مواد راجع به حسابداران رسمی در آن لغو می شود، منحل می گردد (همان، پیشین).

«انجمن حسابداران خبره ایران» اسفند ۱۳۵۱ تشکیل می شود و اساسنامه آن اردیبهشت ۱۳۵۳ به تصویب می رسد. این انجمن تنها تشکل حسابداران ایرانی است که از بدو تاسیس تاکنون به فعالیت خود ادامه داده است. در زمان حاضر این انجمن در چارچوب اساسنامه مصوب مجمع عمومی فوق العاده انجمن (آبان ۱۳۷۰) که به تایید کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور رسیده فعالیت می کند. این کمیسیون مرجع تصویب و نظارت بر نهادها و انجمنهای غیر دولتی است که به موجب قانون خاصی تشکیل نشده باشد. سوابق و شواهد در مورد این انجمن بیانگر آن است که بنیانگزاران آن تشکیل انجمنی حرفه ای را در نظر داشته اند، هدفی که بعدها برخی از کارگزاران و گردانندگان دیگر این انجمن کم و بیش در تحقق آن کوشیده اند. منتها به علت فقدان برخی از مهمترین شرطهای تشکیل انجمنی حرفه ای؛ یعنی شناسایی قانونی و بهره مند بودن از حمایت دولت به کارکردهای انجمنی حرفه ای دست نیافته است. برای مثال در حالی که شماری از حسابداران عضو این انجمن براساس ضوابط داخلی آن، از جمله از طریق انجام مصاحبه و سایر بررسیها، از نظر این انجمن دارای صلاحیت کار حرفه ای شناخته می شوند و به عنوان «حسابدار مستقل» معرفی می شوند، اما هیچگاه از طرف مشتریان خدمات حسابداری حرفه ای و سایر مراجع به رسمیت شناخته نشده اند. سایر

کوششهای این انجمن، از جمله اقدامات آن در راستای «وضع استانداردهای حسابداری و حسابرسی» برای اعضا...^۱ یا تدوین آیین نامه انضباطی رفتار حرفه ای^۲ و انتظار رعایت آن از سوی حسابداران مستقل عضو انجمن، هیچ یک به دلیل برخوردار نبودن این انجمن از پشتوانه قانونی به نتیجه مورد نظر نرسیده است. این انجمن در دوره هایی نیز با برخی تضییقات روبه رو بوده که در کاهش فعالیتها و تأثیر قاطع داشته است. با قاطعیت می توان گفت، انجمن حسابداران خبره ایران در غیاب انجمنی حرفه ای، برخی کارکردهای آموزشی انجمن حرفه ای و معرفی حرفه حسابداری به عموم را در دوران گذار و توسعه حرفه حسابداری ایران برعهده داشته است، از جمله انتشار ماهنامه حسابدار، برگزاری سمینارها و دوره های آموزشی، تاسیس «مرکز آموزش حسابداران خبره مدیریت»^۳ در زمینه آموزش حسابداری مدیریت، مشارکت در برگزاری سمینارها و دوره های آموزشی با نهادها و موسسات دیگر؛ همچنین اعمال نمایندگی شماری از حسابداران حرفه ای در برابر مراجع دولتی از طریق همکاری با بررسی شماری لایحه ها و قوانین در شرف تصویب یا مشارکت در برخی مذاکرات با برخی مراجع قانونگذاری و دولت در جهت گسترش و شناسایی حسابداری و کارکردهای آن. افزون بر اینها پیوستن این انجمن به «فدراسیون بین المللی حسابداران»^۴ به عنوان نهادی ایرانی، متشکل از شماری حسابداران ایرانی، صرف نظر از اینکه حرفه حسابداری در ایران یا اعضای این انجمن از رهگذر این عضویت بهره مند شده باشند یا نه، دست کم در زمان خود اقدامی در خورتوجه و حائز اهمیت بوده است. به نظر می رسد این انجمن با حفظ کارکردهای پیشین خود از جمله انتشار ماهنامه حسابدار و برگزاری سمینارها و گردهماییها و سایر

اساسنامه^۳ آن عبارت است از: "تشکیل حسابداران رسمی؛ بهبود و گسترش خدمات حرفه‌ای از طریق کمک در تهیه، تدوین، اشاعه و ارتقای اصول و استانداردهای حسابداری، حسابرسی، خدمات مالی و آیین رفتار حرفه‌ای؛ بالا بردن دانش تخصصی حسابداران رسمی از طریق گسترش و بهبود آموزش، انجام تحقیقات و انتشار نشریات تخصصی و حرفه‌ای؛ حمایت از حقوق حرفه‌ای اعضا؛ برقراری ارتباط مستمر فنی و حرفه‌ای بین اعضا؛ و ارتباط با موسسات و تشکلهای حرفه‌ای منطقه‌ای و بین‌المللی و در صورت نیاز عضویت در آنها" (همان، پیشین). بررسی اساسنامه و آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط به تشکیل و فعالیت «جامعه» در انطباق با تجربه عام تاریخی حرفه‌ای گری در قالب انجمنهای حرفه‌ای در جهان که پیش از این در مورد آن توضیح داده شد، آشکار می‌سازد «جامعه» از آن رو که به موجب قانون تشکیل شده است از مشروعیت قانونی مورد نیاز انجمنهای حرفه‌ای برخوردار است و همراه با آن از حمایت دولت در مورد بازار کار خدمات حرفه‌ای. آیین‌نامه اجرایی موضوع تبصره ۴ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی^۴ مقرر داشته است که اشخاص حقوقی دربرگیرنده: شرکتهای پذیرفته شده یا متقاضی پذیرش در بورس اوراق بهادار و شرکتهای تابعه و وابسته به آنها؛ شرکتهای سهامی عام و شرکتهای تابعه و وابسته به آنها؛ شرکتهایی که کمتر از ۵۰ درصد سهام آنها متعلق به دولت می‌باشد؛ شعب و دفاتر نمایندگی شرکتهای خارجی (مصوب ۱۳۷۶ که در ایران به ثبت رسیده‌اند)؛ موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکتهای سازمانها و موسسات تابعه و وابسته به آنها؛ سایر اشخاص حقوقی (با در نظر گرفتن عواملی از قبیل درجه اهمیت، حساسیت و حجم فعالیت آنها... که هر سال توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام می‌شود) شامل شرکتهای سهامی خاص و سایر شرکتهای و همچنین موسسات انتفاعی غیرتجاری، شرکتهای و موسسات تعاونی و اتحادیه‌های آنها و اشخاص حقیقی که طبق مقررات قانونی مربوط، ملزم به نگهداری دفاتر قانونی هستند، مکلفند حسب مورد «حسابرس و بازرس قانونی» یا «حسابرس» خود را از میان موسسات حسابرسی که عضو جامعه حسابداران رسمی ایران می‌باشند انتخاب نمایند" (همان، پیشین). در غیر این صورت صورتهای مالی اینگونه موسسات اقتصادی در هیچ یک از وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی، شرکتهای دولتی، بانکها و بیمه‌ها،



واقعیت دیگری که در بررسی وضعیت و موقعیت «جامعه» باید در نظر گرفت این است که نظام و افعال موجود حسابداری حرفه‌ای ایران در برگیرنده سازمان حسابرسی و «جامعه» است

فعالیتها، از جمله فعالیتهای آموزشی، پس از تشکیل «جامعه» به عنوان اقلیت یا اکثریتی با اهداف، منافع و انتظارات به نسبت مشترک و احتمالاً در راستای نمایندگی گروهی از اعضای حرفه که بیشتر با عنوان «حسابدار مستقل» در انجمن حسابداران خبره ایران عضویت دارند، در درون «جامعه» به چالش قدرت پیردازد. حضور تعداد قابل توجه از اعضای این انجمن در شورا و سایر ارکان «جامعه»، از جمله کاندید شدن اکثریت آن تعداد از اعضای انجمن که سالها به تناوب اداره انجمن را بر عهده داشته‌اند، احتمال وجود چنین گرایش یا تقدیری را در این انجمن تقویت می‌کند. احتمال دیگر در مورد آینده این انجمن این است که فعالیتهای خود را در زمینه‌های بینابینی حسابداری و مدیریت، مانند حسابداری مدیریت یا حسابرسی عملیاتی و مانند آن گسترش دهد.

جامعه حسابداران رسمی ایران

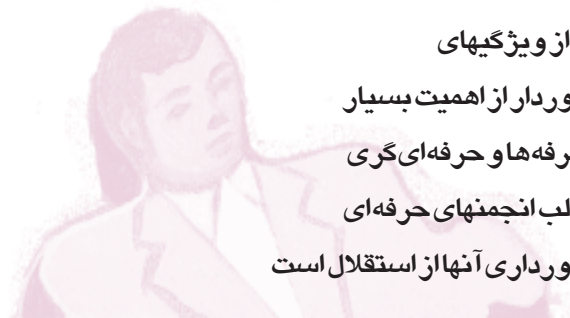
«جامعه» بر اساس «قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی» مصوب دی ۱۳۷۲ و اصلاحیه بهمن همان سال «به منظور اعمال نظارت مالی بر واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی، همچنین حصول اطمینان از قابل اعتماد بودن صورتهای مالی واحدهای مزبور در جهت حفظ منافع عمومی، صاحبان سرمایه و دیگر اشخاص ذیحق و ذینفع»^۵ تشکیل گردیده است. «جامعه» فعالیت خود را از نیمه دوم سال ۱۳۸۰ آغاز کرده است. هدف از تشکیل این «جامعه» بر اساس ماده ۲

مؤسسات اعتباری غیربانکی، سازمان بورس اوراق بهادار و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی معتبر نمی باشد و به نفع اشخاص مزبور قابل استناد نخواهد بود (همان، پیشین). قبول گزارش حسابرسی مالیاتی همراه با اظهارنامه مالیاتی این مؤسسات، بدون رسیدگی، به عنوان مستند صدور برگ تشخیص مالیات و پیش بینی اجازه تعیین مبالغ مشمول کسر حق بیمه به وسیله اشخاص حقیقی و حقوقی در صورت کسب موافقت سازمان تامین اجتماعی از دیگر حمایت‌های دولت در مورد گسترش و تثبیت بازار کار حسابداران رسمی است. در اهداف اساسنامه «جامعه»، حمایت از حقوق «حرفه‌ای» اعضا نیز پیش بینی شده است که مجوزی است برای نمایندگی حسابداران رسمی عضو «جامعه» در مذاکرات با دولت، یا سایر مراجع. این ویژگی نیز با تجربه تاریخی انجمن‌های حرفه‌ای در مورد حمایت از حقوق کار حرفه‌ای انطباق نسبی دارد؛ بر همین روال است پیش بینی تنظیم آیین رفتار حرفه‌ای به عنوان یکی از اهداف «جامعه حسابداران». در همین اساسنامه عوامل تشکیل دهنده قدرت انجمنی حرفه‌ای در برگیرنده قدرت تعیین صلاحیت کسانی که در شغل مربوط کار می کنند و زمینه جلوگیری از کار کسانی که صلاحیت انجام شغل مربوط را ندارند و اختیار تعیین ملاکهای ارزیابی عملکرد شغل مربوط پیش بینی و منظور گردیده است که با تجربه عام تاریخی در مورد وظایف و اختیارات انجمن‌های حرفه‌ای مطابقت دارد. در میان اجزای تشکیل دهنده انجمن حرفه‌ای به ویژه در مورد انجمن حسابداری حرفه‌ای، تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی است که در شمار فعالیتها و وظایف مستقیم «جامعه حسابداران» پیش بینی نشده است و همچنان انجام آن به سازمان حسابرسی محول است. درخور ذکر است که در اغلب کشورهای استانداردهای تدوین شده توسط انجمن‌های حرفه‌ای باید به تصویب مرجع دولتی مستقل از انجمن حرفه‌ای ذیربط برسد.

مقایسه کلی ساختار وظایف و فعالیت‌های «جامعه» با مدل فریدسن نیز که در بالا از آن یاد شد، نشان می دهد که جز در مورد تدوین استانداردهای فعالیت‌های شغلی در «جامعه»، با در نظر گرفتن ویژگی‌های استانداردهای انجام وظایف شغلی در حرفه حسابداری، سایر کارکردهای موضوع این مدل در اساسنامه «جامعه» در نظر گرفته شده است، از جمله نمایندگی اعضاء بوسیله «جامعه» در مذاکرات و در برابر دولت و سایر مراجع در چارچوب «حمایت از حقوق حرفه‌ای اعضاء»؛ اختیار «صدور

پروانه کار، و به ثبت رساندن افراد و مؤسسات عضو جامعه»؛ و «تنظیم و اجرای ضوابط اخلاقی». در مجموع صرف نظر از چگونگی اجرای قانون و مقررات مربوط به تشکیل «جامعه» در عمل و عملکرد این «جامعه»، می توان گفت که کلیت ساختار وظایف و ویژگی‌های پیش بینی شده در قانون و اساسنامه و آیین نامه‌های مربوط به تشکیل «جامعه»، در یک بررسی کلی و اجمالی با ساختار و ویژگی‌های انجمن‌های حرفه‌ای مبتنی بر تجربه عام تاریخی این گونه انجمنها انطباق نسبی دارد. پذیرفته شدن «جامعه» به عنوان عضو «فدراسیون بین المللی حسابداران» نیز بر این انطباق نسبی تأیید می نهد.

همراه با شناسایی قانونی «جامعه» و حمایت گسترده از بازار کار خدمات حرفه‌ای حسابداران رسمی عضو «جامعه»، دولت نظارت‌های گوناگونی را بر کار «جامعه حسابداران» پیش بینی نموده است. این نظارتها از این قرار است: هیئت تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی به تشخیص و انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی تشکیل می شود، و آیین نامه داخلی هیئت باید به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی برسد؛^{۱۵} انتخاب اعضاء هیئت عالی نظارت که انتخابات اعضاء شورای عالی در کلیه مراحل زیر نظر این هیئت انجام می شود توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی از بین حسابداران رسمی عضو جامعه انجام می شود؛^{۱۶} هیئت عالی انتظامی «جامعه» از یک نفر حسابدار رسمی به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی و یک نفر متخصص رشته حقوق به انتخاب وزیر دادگستری و یک نفر حسابدار رسمی غیر شاغل به انتخاب شورای عالی «جامعه» تشکیل می شود و انتخاب رییس و نایب رییس این هیئت توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی تعیین می شود؛ دستور عمل نحوه برگزاری انتخابات نیز باید به تصویب وزیر مذکور برسد؛^{۱۷} سه نفر ناظر بدون داشتن حق رای در برگیرنده نماینده وزیر امور اقتصادی و دارایی، نماینده شورای بورس و نماینده شورای عالی بانکها در جلسات شورای عالی «جامعه» شرکت می کنند؛^{۱۸} تصویب آیین نامه چگونگی استفاده از خدمات حسابداران رسمی، تصویب اساسنامه و تغییرات آن، تأیید نهایی آیین نامه انضباطی و نظارت حرفه‌ای و تعیین حق عضویت ثابت و متغیر اعضاء جامعه در اختیار وزیر امور اقتصادی و دارایی به عنوان نماینده دولت است؛^{۱۹} و اعضاء شورای عالی «جامعه»، با در نظر گرفتن اختیارات بر شمرده بالا که به وزیر امور اقتصادی و دارایی تفویض شده است، به عنوان بالاترین رکن جامعه بوسیله



دولت یعنی مالیات ارتباط دارد، و از سوی دیگر با منافع بازار سرمایه و سهامداران، گریز ناپذیر می‌نماید. به نظر نگارنده وجود تفاوت‌های جدی بین انجمنهای حرفه‌ای در جامعه‌های متفاوت که پیش از این از آن یاد کردیم، بیانگر آن است که مقایسه جزء به جزء یک انجمن در یک جامعه با انجمنهای حرفه‌ای جامعه‌های دیگر ممکن است به اندازه کافی قاطع نباشد و رهنمودهای درخور اتکایی فراهم نسازد.

واقعیت دیگری که در بررسی وضعیت و موقعیت «جامعه» باید در نظر گرفت این است که نظام واقعاً موجود حسابداری حرفه‌ای ایران در برگیرنده «سازمان حسابرسی» و «جامعه» است. این سازمان مرجع تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی در کشور است. بخشی از بازار کار خدمات حسابداری حرفه‌ای ایران در اختیار و انحصار این سازمان است. اظهارنظری در سال ۱۳۸۲، بیانگر آن است که ۲۶۰ نفر از همکاران این سازمان در آن زمان دارای عنوان حسابدار رسمی بوده‌اند^{۲۰}. به نظر نگارنده حمایت‌های سرچشمه گرفته از اقتدار قانونی و سیاسی سازمان حسابرسی در کنار سیاست‌های اقتصادی دولت در تشکیل «جامعه» اهمیت قاطع داشته است و این سازمان همچنان از موقعیتی در مناسبات قدرت سیاسی برخوردار است که می‌تواند به تحولات و توسعه «جامعه» یاری دهد.

ابهامها و اختلاف نظرها پیرامون وضعیت

کنونی و توسعه «جامعه»

مطالبی که در برخی از مقاله‌ها و سرمقاله‌ها یا در مذاکرات میزگردها، یاد در اظهارات مصاحبه‌شوندگان و سخنرانان در سالهای اخیر درباره اوضاع «جامعه» مطرح می‌شود بیانگر آن است که از نظر شماری از اعضاء، کارگزاران «جامعه» و سایر کارشناسان ذینفع، وضعیت کنونی «جامعه» و توسعه آن با ابهامات جدی روبه‌روست. این اظهارات همچنین وجود اختلاف نظرهای جدی در میان اظهار نظر کنندگان رانیز نشان می‌دهد. برای مثال در حالی که از نظر برخی اظهار نظر کنندگان، روابط، مناسبات و نظارت دولت بر کار «جامعه» دخالت در امور، ونفی و نقض استقلال «جامعه» ارزیابی می‌شود، به نظر برخی دیگر نظارت دولت در شکل کنونی آن ضروری و مورد نیاز قلمداد می‌شود. گستره این ابهامها تقریباً اغلب ارکان «جامعه» را در برمی‌گیرد، از جمله موقعیت و اختیارات هیئت تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی، اختیارات مجمع، وظایف و اختیارات

مجمعی که تنها وظیفه آن برگزاری انتخابات اعضای شورا طبق دستورعمل مصوب وزیر امور اقتصاد و دارایی است، از سوی اعضای «جامعه» انتخاب می‌شود. وظیفه این شورا تعیین خط مشی و تصویب برنامه‌های «جامعه»، تصویب آیین‌نامه اخلاق و رفتار حرفه‌ای حسابداران رسمی در چارچوب استانداردهای اعلام شده توسط مراجع ذیصلاح قانونی (منظور سازمان حسابرسی است) و همچنین تصویب آیین‌نامه انضباطی و نظارت حرفه‌ای و تصویب رهنمودها و دستورعملهای فنی و حرفه‌ای در چارچوب استانداردهای اعلام شده توسط مراجع ذیصلاح قانونی از اهم وظایف آن می‌باشد.

به نظر نگارنده همراه با انطباق نسبی ساختار و ویژگیها و کارکردهای پیش‌بینی پذیر «جامعه» با تجربه عام تاریخی حرفه‌ای‌گری، به نحو قاطع نمی‌توان گفت که تفکیک وضع و تدوین استانداردها از وظایف «جامعه» که مرجع تصویب آن در اغلب کشورها مستقل از انجمن حرفه‌ای مربوط است، و یا اعمال نظارت‌های بر شمرده بالا از مشروعیت و اعتبار قانونی جامعه حسابداران (یا حسابداران رسمی) در مقابل اشخاص ثالث می‌کاهد. در حالی که به عکس احتمال دارد این نظارت‌ها، در مجموع شرایطی که «جامعه» در آن قرار دارد، به تثبیت و اقتدار آن یاری رساند، بویژه آنکه اگر ابهامهایی که در بخش بعدی این مقاله به آنها اشاره می‌شود، از عمق زیاد در سطح اعضای جامعه برخوردار باشد، این احتمال می‌رود که ساخت اجتماعی «جامعه» به دلیل وجود اختلاف برداشت و اختلاف نظر به نسبت شدید با مشکل جدی روبه‌رو باشد. در این صورت است که ممکن است نظارت دولت دست کم در مراحل آغازین شکلگیری «جامعه» سودمند باشد. حتی برخی از این نظارت‌ها در نگاهی خوشبینانه در شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کنونی می‌تواند ناگزیر باشد.

درخور ذکر است نظارت دولت در کل، به دلیل آنکه عملکرد حسابداران رسمی با بخش عمده‌ای از منابع تامین مالی و درآمد

سازمان حسابرسی برای خود محفوظ دارد. به همین ترتیب توضیح داده نمی‌شود که آثار و پیامدهای تدوین و تصویب استانداردها به وسیله دولت چیست؛ به علاوه جز در مواردی محدود، درباره محتوا، ماهیت و نوع تاثیر آنچه از مناسبات دولت با «جامعه» نتیجه می‌شود بررسی تحلیلی صورت نگرفته است.

زمینه بروز ابهامها و اختلاف نظرها

قضاوت در مورد اینکه ابهامهای پیشگفته به چه علت پدید می‌آیند و پیامد آن چیست، به چه شیوه و تا چه اندازه می‌توان اینگونه ابهامها و اختلاف نظرهارا از میان برداشت نیازمند بررسی دقیق و علمی است. اما در غیاب چنین بررسیهایی تنها می‌توان به طرح زمینه‌های کلی بروز آنها پرداخت که کوشیده‌ایم در زیر اهرم این موارد را توضیح دهیم:

انتفاع و مناسبات قدرت

«جامعه حسابداران» همسان اغلب انجمنهای حرفه‌ای در ایران و جهان، تشکل صاحبان نوع ویژه‌ای شغل در قالب موسسات اقتصادی است که به طور طبیعی با شیوه‌های گوناگون از جمله عملکرد برجسته و اثربخش یا برقراری مناسبات عادلانه و اطمینان بخش با مشتریانشان در پی بیشینه کردن درآمد خویشند. شماری از اعضای اینگونه انجمنها نیز بیشتر به صورت گروههای مشترک المنافع و همسرخ و همجهت در کنار سایر کوششها برای گسترش بازار

با قاطعیت می‌توان گفت

انجمن حسابداران خبره ایران

در غیاب انجمنی حرفه‌ای

برخی کارکردهای آموزشی انجمن حرفه‌ای

و معرفی حرفه حسابداری به عموم را

در دوران گذار و توسعه حرفه حسابداری ایران

برعهده داشته است

خدمات و افزایش درآمد خود می‌کوشند تا کنترل بیشتری بر بازار کار و اداره فعالیتهای این گونه انجمنها اعمال کنند و به همین منظور در مقایسه با دیگران به قدرت بیشتری دست یابند؛ امری که در همه انجمنهای همه جای جهان رخ می‌دهد. اما در این کار اگر اندازه نگه داشته نشود و این شیوه به عنوان تنها طریق افزایش درآمد برگزیده شود به بهم خوردن تعادل ساختار نهادهایی مانند «جامعه» مینجامد

شورای عالی و هیئت مدیره، مرجع تعیین شرایط عضویت در شورای عالی و مرجع تصویب آیین نامه رفتار حرفه‌ای. افزون بر این پرسشهایی نیز در مورد اهداف درونی «جامعه» در پیوند با اهداف قانونگذار از تشکیل آن مطرح است؛ بر همین منوال است در مورد تعریف منافع اعضاء، و منافع «جامعه» یا مسئولیتهای آن. موضوع «سازمان حسابرسی» و عضویت این سازمان در «جامعه...» نیز نظرات متفاوتی را برانگیخته است؛ برخی آن را ضروری و شماری این امر را غیر ضروری و برخی ناممکن و مغایر قانون ارزیابی می‌کنند. ابهامهایی جدی در مورد گستره شمول عضویت در «جامعه» مطرح است و اینکه آیا تنها حسابرسانی که خدمات اعتباردهی عرضه می‌کنند باید عضو «جامعه» باشند یا عموم حسابداران و از جمله حسابداران عمومی، حسابرسان داخلی و مدیران مالی (شرکتهای بزرگ) و حتی استادان رشته حسابداری. یکی از پیامدهای وجود این ابهامها و اختلاف نظرها نسبت دادن «گرایش دولتی داشتن» به آنان است که نظارت دولت را در اندازه‌های کنونی کم و بیش ضروری یا گریزناپذیر می‌داند یا نسبت دادن «گرایش خصوصی داشتن» به آنان که معتقدند «جامعه» باید از دولت فاصله بیشتری داشته باشد؛ مسئله‌ای که گسترش آن ممکن است به قطبی شدن ترکیب اعضای «جامعه» منتهی شود. با توجه به اینکه شمار اظهار نظر کنندگان یادشده صرف نظر از موقعیتشان در «جامعه حسابداران» نسبت به کل اعضا در «جامعه» چقدر عمق دارد، امکانپذیر نیست. منتها با توجه به اینکه می‌توان فرض کرد کسانی که نظراتشان را در روزنامه‌ها و مجله‌ها یا در مصاحبه‌ها و میزگردها مطرح می‌کنند به قاعده از افراد تاثیرگذارتر در تغییرات و تحولات «جامعه» اند، احتمال دارد که این ابهامها و اختلافها به افراد و گروههای پیشگفته محدود نباشد. نگرانی در این باره این است که جز در مواردی محدود این ابهامها مورد بررسی و تحلیل دقیق و موسع قرار نگرفته است. برای مثال بررسی نشده است، که تایید نهایی آیین رفتار حرفه‌ای به راستی حق «جامعه» است که توسط دولت از «جامعه» دریغ می‌شود، یا با توجه به حمایت‌های دولت از «جامعه» و تثبیت و تضمین بازار گسترده خدمات حرفه‌ای از طریق تکلیف بخش و سیعی از شرکتهای و موسسات اقتصادی و بخش عمومی و خصوصی به استفاده از خدمات حسابداران رسمی، دولت حق دارد بر آیین رفتار حرفه‌ای «جامعه» تایید بگذارد و حق تدوین استانداردها را از طریق



شغلی حرفه ای شناخته می شود
که در قالب انجمنی حرفه ای
قدرت تعیین صلاحیت کسانی را که در آن شغل کار می کنند
داشته باشد
از اقتدار جلوگیری از کار کسانی که
صلاحیت انجام شغل مربوط را ندارند برخوردار باشد و
قادر باشد بر ملاکهای ارزیابی عملکرد شغل مربوط کنترل اعمال نماید

راهبری و امور اجرایی «جامعه» را عهده دار شوند به کاهش مشارکت فعال دیگران در امور «جامعه» منتهی می شود. تجربه نیز مانند سایر شرایط احراز در حد و به اندازه خودش اعتبار دارد و نه بیشتر. درست است که اعضای شورا با رأی مخفی اعضا (در چارچوب اساسنامه و اصلاحیه های مربوط) برگزیده می شوند، اما دست کم در سایر موقعیتها و مسئولیتها، برای مثال در مورد عضویت در کارگروهها می توان از مشارکت نمایندگان گروههای سنی، جنسیتی، تحصیلی، تجربی و... بهره گرفت و فضای بازی را درون «جامعه» سامان داد که امکان مشارکت و اظهار نظر و نقد عملکردها یا مشارکتها به نحو یکسان برای همگان فراهم باشد.

اکنون با گسترش دانش حسابداری در جامعه و توسعه آموزش آن، تسلط بسیاری از حسابداران نسل نو کشور به زبان انگلیسی و دانش و تجربه شان در کاربرد کامپیوتر و دسترسی همراه با علاقه آنان به منابع مختلف، آنان را از قرار گرفتن در مسیر تجربه های طولانی بی نیاز کرده است. در مورد مثال یادشده به نظر می رسد که سالهای تجربه پیش بینی شده در مقررات قانونی و اساسنامه «جامعه» کفایت داشته باشد. در همین زمینه فرض قانونگذار به قاعده این است که در صورت رعایت شرط میزان تجربه برای احراز عضویت یا قبول مسئولیت در «جامعه» طبق مقررات، تأکید بیشتر در این مورد ضرورتی ندارد. در یک گزارش آمده است که در سال ۱۳۸۲، ۴۰ هزار دانشجوی رشته حسابداری و ۱۱۰ هزار نفر در رشته های مرتبط و وابسته در حال تحصیل بوده اند^۳. جامعه ایران جامعه ای با ترکیب جمعیتی جوان است و این امر ناگزیر باید در هر تصمیمگیری کلان مورد توجه قرار گیرد.

و به بروز بحران در کل ساختار منتهی می شود. در این صورت در واقع گروههایی که این شیوه ها را تنها راه برتری و پیشینه کردن درآمد خود بر می گزینند به گروههای فشار تبدیل می شوند. کسانی که این شیوه را پیش می گیرند همچنین به جای اینکه به اصول و ضوابط مشارکت جمعی تن دهند می کوشند با منابع و مراجع قدرت کلان در جامعه ارتباط داشته باشند و به اینگونه مراجع نزدیکتر شوند و از این طریق در تحقق اهدافشان بکوشند. اینگونه مناسبات نیز در شرایطی که مناسبات قدرت سیاسی در معرض تغییرات و تحولات پیاپی است سبب می شود که هرگونه تغییری در ساخت قدرت سیاسی جامعه، بر وضعیت «جامعه» نیز تاثیر مستقیم بگذارد و از ثبات نسبی آن بکاهد و مشارکت اعضا، اداره امور و ثبات در برنامه ریزیها را با دشواری مواجه سازد. نمونه ای از این گونه تغییرات و تحولات سریع در ساختار قدرت سیاسی جامعه، تغییر ترکیب نمایندگان مجلس شورای اسلامی از دوره ای به دوره دیگر است. نزدیک شدن افراد و گروهها به مراجع قدرت سیاسی تنها به منظور کسب قدرت بیشتر و اعمال نفوذ در «جامعه» در عین حال با «استقلال» «جامعه» نیز ناسازگار می نماید.

عدم تناسب توزیع مسئولیتها و نمایندگی

حفظ توازن و تعادل در ساخت اجتماعی «جامعه» ایجاب می کند ترکیب کسانی که مسئولیت مدیریت و راهبری «جامعه» را برعهده می گیرند، به نحو متوازی گروههای سنی، تحصیلی، جنسیتی، تخصصی، منطقه ای و مانند آن را نمایندگی کنند. در غیر این صورت هسته های تعارض پنهان در «جامعه» شکل می گیرد. برای مثال تأکید بیشتر بر یک و تنها یک ویژگی، مانند سالهای تجربه در مورد کسانی که قرار است مسئولیت

مقایسه «جامعه» با انجمنهای همسان در سایر کشورها

مقایسه اوضاع و شرایط «جامعه» با موقعیت و وضعیت انجمنهای حرفه‌ای سایر کشورها از جمله با کشورهای صنعتی ضرورتاً مقایسه‌ای معنی‌دار نیست و معمولاً چندان مشخص نیست این مقایسه بر چه مبنایی انجام می‌گیرد. تردیدی نیست که شناخت انجمنهای دیگر کشورها و انجام مطالعات تطبیقی در این باره کاری ضروری و سودمند است. پیش از این در همین مقاله در مبحث «ساختار و ویژگیهای حرفه‌ای‌گری در قالب انجمنهای حرفه‌ای» گفته شد که حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری در قالب انجمنهای حرفه‌ای در کشورهای متفاوت، تفاوت‌های بسیار با هم دارند و علل وجود این تفاوتها توضیح داده شد. کراس (۱۹۹۶) در مطالعه‌ای در زمینه مقایسه حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری کشورهای ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و آلمان دریافته است که تفاوت در تاریخ توسعه، تفاوت در اوضاع سیاسی و تفاوت در رژیمهای سیاسی تفاوت‌های چشمگیری را در اوضاع حرفه‌های این کشورها پدید آورده است. در خور ذکر است که نه تنها نهاد حرفه‌ها، بلکه حتی نهاد خانواده نیز که در همه کشورها و جامعه‌ها از سابقه طولانی برخوردار است، کارکردها و سازوکارهایش نه تنها از کشوری به کشور دیگر، بلکه از شهری به شهر دیگر در یک کشور تفاوت‌های گاه اساسی دارد. و نه فقط کارکردها و سازوکارهای خانواده، بلکه احزاب، اتحادیه‌های صنفی و انجمنهای محلی نیز در جامعه‌های مختلف وضعیت متفاوتی دارند. به علاوه پژوهشگران دریافته‌اند، همراه با بالا گرفتن قدرت بازارها و شرکتها در جامعه‌های گوناگون، از قدرت امور نهادی و از جمله از قدرت حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری به میزان چشمگیری کاسته شده است. نگارنده احتمال می‌دهد علت تداوم برخی نظمها در نهادها و انجمنهای حرفه‌ای کشورهای صنعتی، وجود ثبات نسبی در مناسبات قدرت و قبول برتری و غلبه ساختهای قدرت بر حسب عادات فرهنگی در چنین جامعه‌هاست. قضاوت در خصوص کم و کیف، یا سودمندی یا ناسودمندی این وضع از موضوع این مقاله خارج است.

الگوی مشارکت اجتماعی

نهادهایی مانند انجمنهای حرفه‌ای، از اشکال مشارکت اجتماعی‌اند. بررسیهای علمی پیران، پرویز (۱۳۷۵) آشکار ساخته است که فرد در اغلب جوامع مشرق زمین، بخصوص چین و هند

به نظر نگارنده

حمایت‌های سرچشمه گرفته از اقتدار قانونی و

سیاسی سازمان حسابرسی

در کنار سیاستهای اقتصادی دولت

در تشکیل «جامعه» اهمیت قاطع داشته است و

این سازمان همچنان از موقعیتی

در مناسبات قدرت سیاسی برخوردار است

که می‌تواند به تحولات و

توسعه «جامعه» یاری دهد

و ایران در عرصه‌های جمعی، مدنی و شهری فوق‌العاده خودخواهانه و نامشارکت‌جویانه عمل می‌کند (شلیله، ۱۳۷۶). همین بررسیها نشان داده است در مواردی که افراد در این گونه جامعه‌ها با هم مشارکت می‌کنند به منافع فردی خود نظر دارند. همچنین دریافته‌اند در این کشورها حتی متخصصان، صاحب‌نظران و افرادی که از توانایی فنی بالایی برخوردارند، کمتر در امور اجتماعی مشارکت می‌کنند (همان، پیشین). افزون بر این در بررسی ناکامیهای نهادهای مدنی، از جمله انجمنهای حرفه‌ای آشکار شده است که نفوذ اقلیتها و گروههای فشار، همچنین عدم آگاهی‌گردانندگان این انجمنها از شیوه رهبری و مدیریت این تشکلهای جمله عواملی هستند که تاثیر منفی بر سازوکار این گونه نهادها، در این کشورها دارد.

فرضهای مبنای پیشنهادات

پیشنهاداتی که در بخش بعدی عرضه شده بر قبول فرضهای زیر استوار است:

یک: عملکرد حسابداری حرفه‌ای در قالب انجمنی حرفه‌ای در ایران همسان دیگر کشورها با بخش عمده‌ای از منابع سرمایه کشور، بخش عمده‌ای از منابع درآمد دولت (جامعه)، با حقوق سهامداران و در عین حال با سرنوشت حرفه حسابداری و حسابداران حرفه‌ای پیوند و ارتباط مستقیم دارد؛ و از همین راهها با کارایی کل اقتصاد.

دو: در حالی که جامعه ایران در کل از تجربه درازمدت در مورد مشارکت اجتماعی در قالب نهادهای مدنی و از جمله انجمنهای

حرفه‌ای برخوردار نیست، طبیعی و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد که این «جامعه» که در پی ناکامیهای پیاپی فعالیت حسابداری حرفه‌ای در قالب انجمنی حرفه‌ای در ایران، هنوز بیش از ۴ سال از آغاز فعالیتش نگذشته است، با مشکلات، ابهامها و نارساییها و کاستیهایی در راه تثبیت و استقرارش رویاروی باشد، یا با برخی ناکامیها. با این حال اگر برداشت مقدماتی نگارنده در مورد انطباق نسبی ساختار و ویژگیهای «جامعه» با تجربه عام تاریخی حرفه‌ای گری در قالب انجمن حرفه‌ای در عمق نیز تأیید گردد، می‌توان گفت که این «جامعه» از ظرفیتهای ساختاری مناسب یک انجمن حرفه‌ای برای توسعه برخوردار است و با همین ساختار کنونی می‌تواند به کار خود ادامه دهد و توسعه یابد.

سه: این در ذات موسسات اقتصادی و تجاری و انتفاعی است که در راه افزودن بر درآمد و منافع خویش بکوشند. اما افراط اعضا، یا موسسات عضو این گونه انجمنها در این کار است که به طلب سهم بیشتر از قدرت و ایجاد انحصار در آنها مینجامد و به تشدید تضاد منافع منتهی می‌شود. تفسیر رویاروییها و مشکلاتی که پیامد اینگونه اقدامات است به «سوء تفاهم» چیزی را حل نمی‌کند. چنین تضادی در نظام بازار به هر اندازه، عمیق و ریشه دار است، بویژه در شرایط کنونی ایران که گرایش خصوصی سازی به عنوان گرایش غالب در برنامه ریزیهای اقتصادی مطرح است.

چهار: فعالیتهای مربوط به توسعه نهادی مانند «جامعه» با اهمیتی که در اقتصاد دارد، تنها کار حسابداران حرفه‌ای اداره کننده یا مشارکت کننده در اداره آن نیست. برای

مثال بیشتر گفته شد، بخشی از قدرت و مشروعیت حرفه‌ها به شیوه‌ای که این گونه مشاغل با عموم ارتباط برقرار می‌کنند و رویکرد سازمان یافته‌شان در راستای آگاه کردن عموم مردم و دولت‌ها از اصولی که بر انجام وظایف شغلیشان حاکم است و همچنین توان آنها در به خدمت درآوردن رسانه‌ها در راستای معرفی آنان بستگی دارد. طراحی و سازماندهی چنین فعالیتهایی نیازمند بهره‌گیری از خدمات متخصصان مجرب ذیربط و از جمله

متخصصان علوم ارتباطات است. همچنین شناخت انتظارات اعضای «جامعه» و برداشتهای آنها از کار حرفه‌ای و یا شناخت انتظارات استفاده‌کنندگان و مردم از خدمات و مسئولیتهای حسابداران حرفه‌ای عضو «جامعه»، نیازمند استفاده از خدمات متخصصان مجرب در این زمینه است، همان گونه که گسترش نظام اطلاعات و ارتباطات جامعه به متخصصان ذیربط در این زمینه نیاز دارد، یا شناخت دقیق و تفسیر قوانین و مقررات حاکم بر «جامعه حسابداران رسمی» که به استفاده از خدمات حقوقدانان با تجربه نیازمند است و به همان ترتیب که توسعه «جامعه» استفاده از خدمات متخصصان توسعه سازمانی و نهادی را ایجاب می‌کند.

پنج: سازمان حسابرسی شریک کاری و جزء تفکیک‌ناپذیر نظام حسابداری حرفه‌ای ایران است. اگرچه این وضع در تجربه سایر کشورها نمونه ندارد، در موقعیت کنونی کشور، این واقعیت حسابداری حرفه‌ای ایران است. سازمان حسابرسی بر سرشت و سرنوشت و تقدیر تاریخی حسابداری حرفه‌ای و گسترش دانش و تجربه حسابداران و پرورش نسلی نو از حسابداران حرفه‌ای در ایران نقش چشمگیر و انکارناپذیر داشته و دارد. سازمان حسابرسی به خودی خود از اعتبار و مشروعیت قانونی برخوردار است و در مناسبات قدرت سیاسی از جایگاه ویژه برخوردار است و به احتمال زیاد می‌تواند در مناسبات قدرت حسابداری حرفه‌ای و در تنظیم مناسبات آن با دولت نقش موثر ایفا نماید. **فریدسن** (۲۰۰۱) معتقد است آن شمار از گردانندگان انجمنهای حرفه‌ای که از اقتدار سیاسی بالایی برخوردارند، امکان دارند که از



طریق مشارکت در تدوین پیش‌نویس قوانین، تنظیم روشهای اجرایی قوانین و تدوین استانداردهای عملیاتی مربوط به پاسخگویی به نیازهای عمومی جامعه، بر قدرت انجمن حرفه‌ای بیفزایند و آن را تداوم بخشد. به نظر می‌رسد همکاری اخیر سازمان حسابرسی با مشارکت دیگر کارشناسان حسابداری و حسابرس در تنظیم لایحه پیشنهادی دولت در مورد اصلاح قانون تجارت که گفته می‌شود در آن نقش و موقعیت حسابداری حرفه‌ای و رعایت استانداردهای

پیشنهادات

یک: توسعه «جامعه» کاری است دشوار و پیچیده، اما ضروری و اجتناب‌ناپذیر. اهمیت و نقش و مسئولیت‌های «جامعه» به عنوان نهادی ملی در برابر جامعه و دولت، در برابر بازار سرمایه و سهامداران و در برابر جامعه حسابداران ایران و حسابداران حرفه‌ای ایجاب می‌کند که به این کار دشوار و پیچیده پرداخت. انجام آن به مشارکت فعال و سازمان یافته همه اعضا نیاز دارد. با این وصف در مراحل آغازین، گردانندگان «جامعه» وظیفه سنگینتری در برانگیختن مشارکت اعضا دارند. اینگونه مشارکتها در نهادهایی از قبیل «جامعه» بسیار کم و کند آغاز می‌شود، اما اگر به طریقی سازمان یافته جدی گرفته شود گسترش می‌یابد.

دو: تأثیر کلان «جامعه» بر کل اقتصاد ایجاب می‌نماید که تصمیم‌گیریهای کلان در مورد آینده و توسعه «جامعه»، بر نتیجه بررسیهای تحلیلی و علمی استوار گردد. از جمله «جامعه» باید یک بررسی دقیق در مورد درک و برداشت اعضا از ساختار و کارکردهای «جامعه» و اثرات «جامعه» بر اقتصاد و همچنین در مورد انتظارات و گرایشهای شغلی و حرفه‌ای اعضا از «جامعه» انجام دهد. نتیجه این بررسی را با قوانین و مقررات حاکم بر فعالیتهای «جامعه» و نظرات و هدفهای قانونگذار کنار هم بگذارد و حدود مسئولیتهای، اختیارات و امکانات «جامعه» در این زمینه‌ها را طی گزارشی به آگاهی اعضا برساند و طی اجلاسی به بحث بگذارد. برای مثال باید روشن ساخت که مصداق مفهوم «استقلال» در حسابداری حرفه‌ای چیست، پیوند آن با اختیارات دولت در امور «جامعه» چگونه و تأثیر آن بر امور «جامعه» به چه نحو است و کاستیها و امتیازات آن کدام است. به نظر می‌رسد در صورت شفاف شدن این مسائل شناخت اعضا از سازوکار و امکانات «جامعه» عمق بیشتر گیرد و به هر چه واقعبینانه تر شدن انتظارات اعضا منتهی شود. انجام این بررسیها و مطابقت دادن آنها و نتیجه گیریها به بهره‌گیری از خدمات متخصصان ذیصلاح و مجرب و کارکرده در هر یک از زمینه‌ها نیاز دارد.

سه: «جامعه حسابداران» نیاز دارد گستره، برآوردی از حجم کار، تنوع و انتظارات بازار کار خدمات حسابداران رسمی و چشم انداز آینده آن را با بهره‌گیری از متخصصان مورد مطالعه قرار دهد و نتیجه را با منابع انسانی و تکنولوژیک و منابع مالی موجود و مورد نیاز کنار هم بگذارد و تناسب این دو را با یکدیگر بسنجد و حاصل را طی گزارشی به آگاهی اعضا برساند و در

حسابداری در موسسات اقتصادی الزامی در نظر گرفته شده است را بتوان نمونه‌ای از این نوع مشارکت و تأثیر به شمار آورد. وی در همان حال تأکید می‌کند که تأثیر افراد حرفه‌ای برخوردار از اقتدار سیاسی را در انجمنهای حرفه‌ای باید از نفوذ و اقتدار سیاسی خود انجمنهای حرفه‌ای تفکیک کرد و توجه داشت که ممکن است گاه هدفهای سیاسی افراد برخوردار از نفوذ سیاسی در انجمنهای حرفه‌ای با مقاصد سیاسی انجمنها متفاوت باشد.

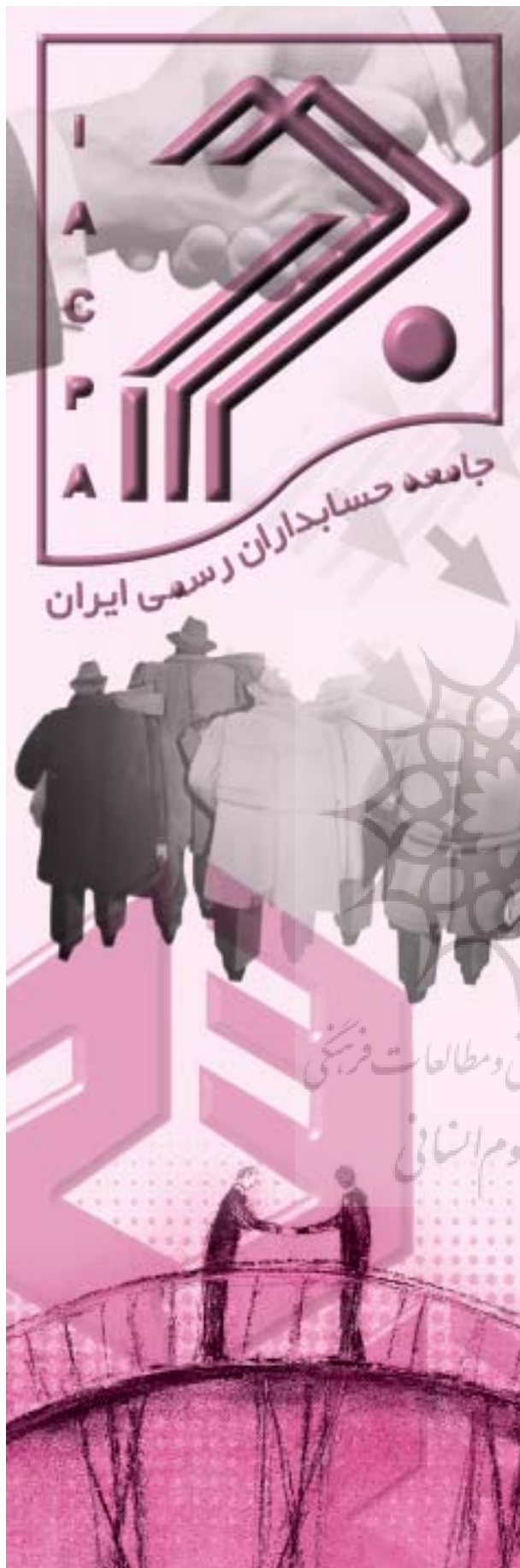
شش: این فرض که در میانمدت تغییراتی اساسی در اساسنامه «جامعه»، مورد قبول مراجع ذیربط قرار گیرد، یا نظارت‌های کنونی دولت بر «جامعه حسابداران» کاهش یابد، یا سازمان حسابرسی تنها به عنوان یک عضو با «جامعه» مشارکت نماید، به نظر عملی نمی‌رسد. ضمن اینکه تاکنون علل و عواملی که ضرورت این تغییرات را توضیح دهد در دست نیست. به علاوه معلوم نیست که چنین گرایشی در جامعه تا چه اندازه عمیق است و چه تعداد از اعضا خواستار این تغییرات اند.

هفت: مساعد کردن جمیع عوامل مرتبط با امور «جامعه» و توسعه آن از طریق فعالیتهای خود «جامعه» امکانپذیر نیست، برخی عوامل تحت تأثیر ساختارهای کلان، پرقدرت و پرنفوذترند.

هشت: بسیاری از اقدامات نیز هست که انجام آنها در قانون ذکر نشده، اما منع قانونی ندارد، از جمله جلب مشارکت گسترده اعضا و دریافت نظر آنان در تصمیم‌گیریهای عمده مربوط به «جامعه». در عین حالی که اساسنامه «جامعه» برانجام بسیاری اقدامات تصریح و تأکید کرده است، از جمله بر گسترش آموزش و تحقیقات و...

نه: پیوستن «جامعه» به بازارهای جهانی حرفه و به شبکه اطلاعات و ارتباطات مربوط اجتناب‌ناپذیر است. خط مشی‌های جهانگسترانه بازارهای سرمایه در راستای کنترل هر چه بیشتر بازارها به هر طریقی می‌کوشد که تا حد امکان انحصار قدرت در زمینه‌های گوناگون را متمرکز سازد؛ موضوعی که ورود به این عرصه‌ها و ابتکار عمل و مشارکت در آنها را بیش از پیش دشوار می‌سازد.

ده: یکی از اصلی‌ترین منابع قدرت و مشروعیت حرفه‌ها عملکرد آنهاست.



اجلا سی به بحث بگذارد و نظامی را در جامعه مستقر گرداند که تغییرات و تحولات در این زمینه ها را تجزیه و تحلیل کند و به آگاهی اعضا برساند.

چهار: به نظر مناسبتر می رسد که مناسبات «جامعه» با مراجع ذیربط در دولت در چارچوب نظمی ویژه سامان گیرد و به صورت مستمر از طریق مذاکره، بررسی و اطلاع رسانی تداوم یابد، مسائل و مشکلات بررسی شده «جامعه» و یافته های آن در اختیار مراجع ذیربط در دولت قرار داده شود. پیش بینی می شود بنابه اهمیت نقش و تأثیر «جامعه» بر کل اقتصاد، چنین رویکردی بتواند بر همکاریها و توافقیهای معطوف به توسعه «جامعه» تأثیر بگذارد.

پنج: ضروری است «جامعه» برای آگاهی بیش از پیش در مورد مناسبات جهانی شده حرفه و نیازهای مربوط بررسی و برنامه ریزی نماید. آشکار است چنین برنامه ریزی و اقدام در این باره نیازمند بهره گیری از خدمات متخصصان مجرب در این زمینه است. به نظر می رسد پیوستن به انجمنهای منطقه ای بتواند این اقدام را حمایت و تقویت کند.

شش: تمهیداتی باید اندیشیده شود که توازن و تناسب کافی بین واگذاری مسئولیتها و نمایندگی اعضای در رده های مختلف سازمانی از جمله در شورای عالی، هیئت مدیره و کارگروه های «جامعه» بوجود آید. آشکار است اعضای شورا یا هیئت مدیره در نهادهای مدنی در چارچوب مقررات مربوط در واقع مجری نظرات و گرایشهای اعضا هستند. اقتضای اداره معطوف به اراده اعضا در نهادهای مدنی ایجاب می کند که اعضای شورا یا هیئت مدیره به تفصیل اعضا را در جریان امور قرار دهند و به اندازه کافی از نظرات آنان آگاه باشند. پیش گرفتن چنین مشی بی می تواند مناسبات قدرت را در «جامعه» متعادل سازد. در این صورت پیش بینی می شود، نمایندگان گروههای سنی، تجربی، تخصصی، جنسیتی، و دارندگان دیدگاههای متفاوت از جمله آنان که بر نظارتهای دولتی گرایش بیشتری دارند، بانمایندگان طرز فکری که فاصله بیشتر از دولت را مناسب می داند و با سایر گرایشها در زمینه های دیگر، با حفظ دیدگاههای خودشان در راستای اداره و توسعه جامعه آسانتر به توافقیهای اصولی برسند.

هفت: اعضای «جامعه» ناگزیرند هزینه های پیشرفت و توسعه «جامعه» را تقبل کنند و بپردازند.



پانوشته‌ها:

- ۱- اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ و اصلاحیه‌های ۱۳۷۹/۳/۱۸، ۱۳۸۰/۵/۱۷، ۱۳۸۱/۷/۱۴، ۱۳۸۲/۱/۱۱ هیئت وزیران.
- ۲- در تنظیم این بخش از منابع زیر بهره گرفته ایم:
- شلیله، محمد، حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری (بخش اول)، فصلنامه حسابرس، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۸۳
 - شلیله، محمد، حرفه‌ها و حرفه‌ای‌گری (بخش دوم)، فصلنامه حسابرس، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۸۳
 - شلیله، محمد، کار حرفه‌ای: مفاهیم، ویژگیها و کارکرد، (بخش اول تا چهارم)، فصلنامه حسابرس، شماره‌های ۲۳ تا ۲۷، بهار ۱۳۸۳ تا زمستان ۱۳۸۳
- Shalileh, M., Challenging Professionalism in Canada, Unpublished Paper, Carleton University, Ottawa, 2001
- 3- State
- ۴- لا یحه مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۲۱
- ۵- برای مطالعه در این زمینه نگاه کنید به: ارباب سلیمانی، عباس و نفری، محمود، اصول حسابرسی (جلد اول)، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی، چاپ اول، سال ۱۳۷۱، صص ۱ تا ۷
- ۶- نگاه کنید به: سجادی نژاد، حسن، حرفه حسابداری در ایران، ماهنامه حسابدار، سال چهارم، شماره نهم و دهم، مرداد و شهریور ۱۳۶۷، صص ۳۸ تا ۴۰
- ۷- سرگذشت یک استاد و سرگذشت یک علم... (مصاحبه)، ماهنامه حسابدار، شماره ۹۷-۹۸، مرداد ۱۳۷۲، صص ۷
- 8 - <http://www.iranianica.com/about.htm>, July 07, 2005
- ۹- مصوب مجمع عمومی فوق العاده انجمن حسابداران خبره ایران در تاریخ ۱۳۶۴/۹/۱۹
- 10-The Chartered Institute of Management Accountants (CIMA)
- 11-The International Federation of Accountants (IFAC)
- 12-<http://www.iacpa.ir/aboutus.htm>, July 07, 2005
- ۱۳- ر.ک به پانوشته شماره ۱
- ۱۴- مصوب ۱۳۷۹/۹/۱۳ هیئت وزیران
- ۱۵- آیین نامه تعیین صلاحیت حسابداران رسمی و چگونگی انتخاب آنان، مصوب ۱۳۷۴/۵/۲۲
- ۱۶- ر.ک به پانوشته شماره ۱
- ۱۷- ر.ک به پانوشته شماره ۱
- ۱۸- ر.ک به پانوشته شماره ۱
- ۱۹- میزگرد اصلاح اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران، فصلنامه حسابرس، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۲، صص ۳۵
- ۲۰- گفتگو با مدیرعامل سازمان حسابرسی، فصلنامه حسابرس، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۲، صص ۲۸
- ۲۱- انجمن حسابداری ایران چگونه پدید آمد، فصلنامه حسابرس، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۲، صص ۸۷

منابع:

گزارشها، مصاحبه‌ها و میزگردها

- حرفه حسابرسی در ایران؛ پیشینه و پیشینیه (میزگرد)، ماهنامه حسابدار، شماره ۷۸-۸۸، مرداد ۱۳۷۱، صص ۱۳-۱۴
- سرگذشت یک استاد و سرگذشت یک علم... (مصاحبه)، ماهنامه حسابدار، شماره ۹۷-۹۸، مرداد ۱۳۷۲، صص ۷
- میزگرد اصلاح اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران، فصلنامه حسابرس، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۲
- گفتگو با مدیرعامل سازمان حسابرسی، فصلنامه حسابرس، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۲